



فرمانده انتظامی استان از کشف ۲۹۹ دستگاه استخراج رمزارز دیجیتال غیر مجاز به ارزش ۱۵۰ میلیاردریال در مشهد خبر داد.

سردار «محمد کاظم تقوی» گفت: در پی کسب خبری مبنی بر بهره برداری افرادی سودجو به وسیله دستگاه های استخراج رمزارز دیجیتال به صورت غیرمجاز در نقاط مختلف شهر مشهد، دستورات لازم برای پیگیری سریع موضوع به پلیس امنیت عمومی خراسان رضوی صادر شد.

سردار کاظم تقوی گفت: در پی هاست که‌لای هیچ کتابی را باز نکردم. چرا؟ در پایان مقطع راهنمایی به دلیل فقر و مشکلات معیشتی و بیماری مادرم ترک تحصیل کردم و از آن زمان نیز مطالعه را کنار گذاشتم.

اسرار آمیز علاقه‌زبادی داشتم اما اکنون سال هاست که‌لای هیچ کتابی را باز نکردم. چرا؟ در پایان مقطع راهنمایی به دلیل فقر و مشکلات معیشتی و بیماری مادرم ترک تحصیل کردم و از آن زمان نیز مطالعه را کنار گذاشتم.

**پدرت هزینه‌های زندگی تان را تامین نمی کرد؟** او به گچکاری اشتغال داشت و در هنگام کار دچار سانحه شد و انگشتان یکی از دستانش را از دست داد با این حال کارش را رها نکرد اما هزینه های زندگی مان زیاد بود خواهرانم می خواستند به خانه‌بخت برونو باید برایشان چیزی تهیه‌می کردیم.

**قضیه‌بیماری مادر ت چیست**پس از معلولیت پدرم ،مادرم نیز مدتی در زمین های کشاورزی حاشیه‌شهر کارگری می کرداما او هم به‌سرطان زوده‌مبتلا شدو پس از مدت کوتاهی از دنیا رفت.

**پس در دوران کودکی و نوجوانی روز های سختی را پشت سر گذاشتی؟** بله مرگ مادرم،مشکلات جسمی پدرم وفقر ومشکلات معیشتی زندگی را برای من و خواهر و برادرانم بسیار سخت کرد.

**خواهر و برادرانت هم به‌سر کار می‌رفتند؟** بله من ودو برادر بزرگ ترم برای کارگری به‌سر گذر می‌رفتیم تا این که تصمیم گرفتیم یک کاری تهیه کنیم‌و از آن به‌بعدنوبتی باگاری میوه فروشی می کردیم.

**تصمیم داشتی در آینده میوه فروش بشوی؟** خیر من به خوانندگی علاقه داشتم و همیشه ترانه های فارسی و ترکی را زیر لب زمزمه می کردم!

**پس چرا به دنبال رشته موسیقی نرفتی؟** چون خیلی زودعاشق شدم‌و ازدواج کردم.

**با همسرت چگونه آشنا شدی؟** بعد از این که خدمت سربازی ام را به‌پایان رساندم من و برادرانم هر کدام یک‌گاری برای خودمان مهیا

فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی افزود: تیم های پلیس امنیت عمومی با اقدامات اطلاعاتی توانستند چند سوله و کارگاه محل نصب وفعالیت غیر مجاز دستگاه های موصوف را در حاشیه شهر مشهد شناسایی کنند.
این مقام ارشد انتظامی تصریح کرد: ماموران انتظامی با هماهنگی مقام قضایی و با

همکاری کارشناسان اداره صمت و شرکت برق در عملیاتی گسترده‌از ابتدای اردیبهشت محل های مدنظر را بازرسی و ۲۹۹ دستگاه استخراج رمز ارز دیجیتال را در حال کار به صورت غیرمجاز کشف کردند.
سردار تقوی با اشاره به معرفی متهمان دستگیر شده به مراجع قضایی، خاطرنشان کرد: برابر اعلام نظر کارشناسان ارزش‌ریالی

## کشف ۲۹۹ دستگاه استخراج رمزارز دیجیتال غیرمجاز در مشهد

دستگاه های کشف شده ۱۵۰ میلیاردیال برآورده‌است.
فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی از شهروندان خواست، در صورت اطلاع از هر گونه مورد مشکوک در خصوص فعالیت های مرتبط با قاچاق کالا و ارز مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

## دزد کابل های مخابراتی در مخمصه کابوس های شبانه افتاد

# زندگی با اشباح ترسناک!

گذشته‌زندگی جدیدی را برای خودت آغاز کنی؟ من نمی‌توانم مواد مخدر را کنار بگذارم زندگی برای من تنها در یک کلمه خلاصه می‌شود آن هم مواد مخدر است.

**چه چیزی استعمال می‌کنی؟** روزی دست کم ۱۰۰ هزار تومان شیشه می‌کشم.

**اکنون چه چیزهایی در زندگی بیشتر از همه تور از می‌دهد؟** خواب‌ها و کابوس‌های وحشتناکی که می‌بینم گاهی تصور می‌کنم روح از بدنم خارج شده‌به پرواز در می‌آید!

**فکر نمی‌کنی که این تصورات و توهمات به دلیل مصرف مواد مخدر صنعتی است؟** نمی‌دانم با این سن و سال به شدت از تنهایی و تاریکی می‌ترسم وقتی تنها باشم صداهای عجیب و غریبی می‌شنوم هنگامی که در یک محیط بسته هستم تصور می‌کنم اشباح ترسناکی به سراغم می‌آیند!

**برابر گزارش ماموران به جرم سرقت سیمو کابل دستگیر شدی چه توضیحی داری؟** بله سرقت را قبول دارم در حال سرقت سیمو کابل مخابرات بودم که توسط ماموران کلانتری شفا دستگیر شدم.

**انگیزه ات از ارتکاب سرقت چه بود؟** می‌خواستم مواد مخدر تهیه کنم.

**بیشتر در چه مناطقی سرقت را انجام می‌دادی؟** در کل شهر مشهد سرقت می‌کردم منطقه خاصی مدنظرم نبود اما سرقت های اخیرم را از مناطق اطولاب و شهرک پردیس و خیابان حرعاملی انجام دادم.

**اولین بار چه زمانی مرتکب سرقت شدی؟** ۹ سال قبل از یکی از روستاهای حاشیه ای اطراف مشهد یک راس گوسفند سرقت کردم و با فروش آن مواد خریدم.

**تا به حال به این فکر کردی فردی که از آن سرقت می‌کنی ممکن است خود نیاز مند باشد؟** اگر بخواهم حقیقت را بگویم سرنوشت مال باخته واقعا برایم اهمیتی ندارد!

**اگر زمان به عقب برگردد چه مسیری را در زندگی ات انتخاب می‌کنی؟** معاشرت با رفقای ناباب را کنار می‌گذارم و هیچ گاه معتاد نمی‌شوم.

اکنون هم از لحاظ مالی بسیار پیشرفت کردند و در میدان بار میوه فعالیت دارند.

**از چه زمانی کار خلاف را آغاز کردی؟** چند سال بعد از این که معتاد شدم برای تامین هزینه های مواد مخدر به کار خلاف (سرقت و خرید و فروش مواد مخدر) روی آوردم.

**فرزندانت چه سرنوشتی پیدا کردند؟** پس از جدایی از همسر او مجدد ازدواج کرد. من نیز دخترم را در ۱۳ سالگی به خانه بخت فرستادم و پسرم نیز اکنون در بهزیستی به سر می‌برد.

**چند فقره سابقه کیفری داری؟** دست کم شش فقره سابقه کیفری دارم.

**چه عواملی را مسبب وضعیت کنونی ات می‌دانی؟** خودم را مقصر می‌دانم با دوستان خوبی معاشرت نداشتم و به مصرف مواد مخدر

صنعتی روی آوردم.

**چه آینده‌ای را برای خودت ترسیم می‌کنی؟** من آینده ای ندارم زندگی ام دیگر تباه شده است.

**از وضعیت فرزندانت مطلع هستی؟** تا حدودی مطلعم متأسفانه دامادم نیز معتاد است اما دخترم به خاطر فرزندانش می‌سوزد و می‌سازد پسرم نیز شنیدم وضعیت مناسبی در بهزیستی ندارد. ناراحتی اعصاب و روان دارد و چندین بار در بیمارستان روانی بستری شده‌است.

**تعریف از زندگی چیست؟** زندگی برایم کاملاً بی ارزش است چون معتقدم روزگار رفتار مناسبی بامن نداشته‌است!

**یعنی به این معتقدی که بخت و شانس چنین سرنوشتی را برای تو رقم زده‌است؟** من آدم کم‌شانسی هستم اما قبول دارم خودم هم اشتباه کردم و گر نه خواهران و برادرانم نیز وضعیت من را داشتند اما اکنون زندگی آبرومندانه‌ای دارند.

**بهتر نیست که تو هم با عبرت از اشتباهات دیگران راهی برای پیشرفت پیدا کنی؟** من هیچ راهی ندارم.

## حمله مسلحانه مردان پلید به خانه ای با ۵ زن

دیگری را به اجرا بگذارند. «

سردار علیرضا لطفی اظهار کرد: «کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران در تحقیقات پی بردند تعدادی از اعضای باند قصد سرقت مسلحانه دیگری را در جنوب تهران دارند که با یک عملیات منسجم و با اقدامات پلیسی اعضای باند دستگیر شدند.

یکی از متهمانی که با اطلاع از دستگیری همدستانش قصد خروج از کشور را داشت

گذاشتند. وی افزود: «با اعلام این خبر تیمی از کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران برای دستگیری اعضای باند وارد عمل شدند و در همان ابتدای تحقیقات، پلیس یکی از سارقان مسلح را که سابقه معاونت در قتل و حمل سلاح گرم داشته است شناسایی کرد.» رئیس پلیس آگاهی تهران ادامه داد: «ماموران پلیس آگاهی پس از شناسایی نفر اصلی این باند موفق شدند در عملیاتی دیگر چهار همدست متهم را شناسایی کنند که مشخص شد اعضای این باند قصد داشتند سرقت مسلحانه

با عبور عقره یک کیلومتر سنج از ۵۰ هر لحظه بر سرعت تریلر افزوده می‌شود. وی اظهار کرد : از آن جایی که این محور دوطرفه بوده و وسایل نقلیه زیادی در این محور در حال عبور و مرور بودند، با افزایش سرعت تریلر، احتمال برخورد با خودروهای عبوری هر لحظه بیشتر می‌شد، رانند تریلر که وضعیت را خطرناک دید، ناامید، فکرهای گوناگونی از جمله چرخاندن فرمان به سمت دره یا برخورد با کوه برای جلوگیری از یک فاجعه به ذهنش خطور کرد اما با دیدن چراغ گردان خودروی پلیس، چراغ‌امیدر دلش روشن شد. وی افزود:

این راننده پس از طی کردن ۱۸ کیلومتر از مسیر، در شیب گرند «ده علی رضا» متوجه می‌شود که ترمز تریلر قفل کرده بر اثر اصطکاک زیاد، لنت ها آتش گرفته و این آتش سوزی سبب تخریب سیستم سوخت‌رسان و کابل های برق شده و نقص فنی و آتش گرفتن چرخ‌های خودرواش، جان سالم به در برده بود، اظهار کرد: جان خودم را، شاگردم و رانندگان در مسیر حادثه را مدیون گشت پلیس راه هستم. به گزارش خراسان، رئیس پلیس راه شمال استان کرمان، وقوع یک حادثه برای یک دستگاه تریلر در گرند ده علی رضا در جاده زرند را تشریح کرد و گفت: یک دستگاه تریلر که حامل زغال سنگ بوده و مجموع وزن آن به ۴۲ تن می‌رسید، از شهرستان کوهبنان به سمت زرند در حال حرکت بود. سرهنگ «علی رضایی» افزود: این راننده پس از طی کردن ۱۸ کیلومتر از مسیر، در شیب گرند «ده علی رضا» متوجه می‌شود که ترمز تریلر قفل کرده بر اثر اصطکاک زیاد، لنت ها آتش گرفته و این آتش سوزی سبب تخریب سیستم سوخت‌رسان و کابل های برق شده و

## قتل در نزاع دسته جمعی

**ساجدی** - نزاع دسته جمعی در منطقه طبرسی شمالی مشهد به جنایت انجامید. به گزارش خراسان، در این حادثه که شب شنبه گذشته در خیابان طبرسی شمالی ۴۱ رخ داد یکی از کسبه محلی به همراه چند نفر دیگر به درگیری با پراپد سواران پی‌رداختند که اختلافات قبلی با یکدیگر داشتند. در این درگیری وحشتناک که از سلاح کلت‌وشمشیر استفاده شده بود یکی از سرنشینان پراپد ۱۱۱ به نام سعید به قتل رسید و سرنشین دیگر که رضا نام دارد به شدت مجروح شد. با انتقال مجروح این حادثه وحشتناک به بیمارستان هاشمی‌نژاد، تحقیقات برای دستگیری ضاربان با صدور دستورات ویژه‌ای از سوی قاضی دکتر حسن زرقاتی (بازپرس ویژه قتل عمد مشهد) ادامه یافت.

### قاتل فراری ۲ ساعته به دام افتاد

قاتل فراری در کمتر از دو ساعت در ساری به دام افتاد. به گزارش ر کنا، ناصر علی صفروپور اظهار کرد: در پی اعلام خبری مبنی بر درگیری افرادی در بولوار کشاورز ساری بلافاصله ماموران کلانتری ۱۲ به محل اعزام شدند. وی افزود: در این حادثه فردی ۲۹ ساله که از ناحیه کمر و شکم با ضربات چاقو به شدت مجروح شده بود توسط عوامل امدادی به بیمارستان منتقل شد و موضوع توسط مأموران در دست بررسی قرار گرفت. فرمانده انتظامی شهرستان ساری با اشاره به این که مصدوم در روز پس از این حادثه در بیمارستان جان باخت، گفت: پس از انجام اقدامات اطلاعاتی و بررسی‌های همه جانبه مأموران موفق شدند در کمتر از ۲ ساعت متهم اصلی این پرونده و دو نفر دیگر از همدستانش را که از محل متواری شده بودند دستگیر کنند.

## حوادث

## در امتداد تاریکی

## نقشه عجیب زنی که اخاذی می‌کرد!

سرگذشت من به حدی عجیب و باورنکردنی است که در بخشی از آن چندین نفر با یک طرح و نقشه قبلی درون چاهی افتاده‌اند که خروج از آن به همین راحتی امکان‌پذیر نیست و...

زن ۵۰ساله‌ای که مدعی بودفیل همسرش‌یاد هندوستان کرده‌است، با بیان این که همواره فریب چرب‌زبانی و حيله‌گری‌های همسرش را می‌خورد، درباره داستان عجیب زندگی‌اش به کارشناس اجتماعی کلانتری آبکوه مشهد گفت: ۲۱سال پیش جوان زبان‌بازی به نام «برزو» با پدرم دوست شد. او آن قدر چرب‌زبان بود که خیلی زود در دل افراد جامی گرفت. برزو به اندازه‌ای خوش برخورد و پر از مهر و عاطفه بود که ناخودآگاه توجه دیگران را به خودش جلب می‌کرد. او با همین شیوه تعریف و تمجید، مرا از پدرم خواستگاری کرد، در حالی که با زبان چرب و نرمش همه را سرکار می‌گذاشت.

من که تازه دیپلم گرفته بودم دیگر ادامه تحصیل ندادم و در حالی بیرون از منزل مشغول کار شدم که همسرم خانه‌نشین بود و سرکار نمی‌رفت. او فقط از عشق و علاقه‌اش به من سخن می‌گفت و آن قدر از من تعریف و تمجید می‌کرد که انگار خداوند مرا برای تامین مخارج و هزینه‌های زندگی خلق کرده‌است.

خلاصه زمانی تصمیم گرفتم که دیگر سرکار نروم که صاحب سه فرزند قد و نیم قد بودم. شوهرم نیز هیچ مسئولیتی در قبال خانواده‌اش احساس نمی‌کرد و تنها با زبان بازی امورش را پیش می‌برد.

خلاصه بعد از ۲۰سال زندگی مشترک، سال گذشته بود که متوجه شدم همسرم روابط غیرمعارفی با یک زن متاهل دارد. آن‌روز خیلی عصبانی شدم و پس از مدتی سر و صدا و مشاجره او را از خانه بیرون انداختم چرا که بود و نبودش در منزل هیچ فرقی نداشت اما یک ماه بعد برزو دوباره به خانه بازگشت و با همان چرب‌زبانی‌های همیشگی و خواهش و تمناهایش مرا خام کرد تا به زندگی مشترک ادامه بدهم.

اگرچه می‌دانستم این رفتارها و چرب‌زبانی‌ها حيله‌ای بیش نیست اما باز هم فریب خوردم و تعریف و تمجیدهایش را باور کردم و به زندگی با او ادامه دادم. تا این که روز گذشته مردی با شماره تلفن همراهم تماس گرفت و مدعی شد شوهرزنی است که با برزو ارتباط دارد. او گفت: از دو ماه قبل همسرت همه طلاها و زیورآلات شمارا به همسر من داده‌است!

با مشخصاتی که آن مرد از طلاهایم ارائه داد، تازه فهمیدم که برزو چه کلاه‌گشادی بر سرم گذاشته‌است. به خاطر آوردم که حدود دو ماه قبل همسرم با خواهش و التماس طلاهایم را از من گرفت تا آن‌ها را به امانت نزد برادرش بگذارد و با پولی که قرض می‌گیرد کاروکاسبی مناسبی به‌راه بیندازد.

من هم که قصد داشتم سرمایه‌ای در اختیار شوهرم باشد، با برادرش تماس گرفتم. برادر برزوان‌روز به من گفت: برادرم چیزیک زبان چرب هیچ اعتباری نزد من ندارد ولی اگر طلاها را نزد من به امانت بگذارد فقط به اعتبار شما مبلغی را در اختیارش می‌گذارم! و...

وقتی این خاطرات در ذهنم مرور شد، به حرف‌های آن مرد غریبه اطمینان پیدا کردم و با او قرار ملاقات گذاشتم. آن مرد که ظاهری آشفته داشت و به گفته خودش معتاد به مواد مخدر بود، درباره این ماجرا به من گفت: اخاذی از مردان هوسران شگردي است که من و همسرم از این طریق در آمد کسب می‌کنیم تا من هزینه‌های اعتیادم را تامین کنم.

همسرم با مردان غریبه آشنا می‌شود و پس از آن که به بهانه‌های مختلف مالیاتی را از آن‌ها می‌گیرد، دیگر به تماس هایشان پاسخ نمی‌دهد اما این بار همسر زبان باز شماطوری همسر را اغفال کرده‌است که من از چاله به چاه افتاده‌ام. همسرم عاشق تعریف و تمجیدها و چرب‌زبانی‌های شوهرتان شده‌است به گونه‌ای که قصد دارد از من طلاق بگیرد و با او دواج کند، به همین منظور همسرم به من پیشنهاد داد تا همه طلاهایی را که از شوهر شما گرفته‌است به من بدهد و من هم در قبال آن او را طلاق بدهم و از زندگی‌اش بیرون بروم... و...

زن ۵۰ساله‌ای که من شنیدن این حرف‌ها دلم شکست و افسوس خوردم که چگونه سال‌های زیادی از عمر و جوانی ام را با این نامرد زبان‌باز گذرانده‌ام! اکنون با داشتن سه فرزند تازه فیلش یاد هندوستان کرده‌است. حالا هم نگران طلاهایم نیستم اما ناچارم که چرا دوباره خام‌نقشه‌های این مرد حيله‌گر شده‌ام...

شایان ذکر است، پرونده این زن میان سال با راهنمایی و دستورات سرهنگ محمدی (رئیس کلانتری آبکوه) در دایره مددکاری اجتماعی مورد رسیدگی ویژه قرار گرفت.

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**